



پادداشت

مجازات کارگران بی تقصیر بجای مسئولان مقصر!

صادق کار



علی آقازاده (استاندار مرکزی) در مصاحبه‌ای که روز گذشته در خصوص اعتصابات دامنه دار کارگران هپکو و علل آن با شبکه خبر انجام داد گفت: "عاملان بحران هپکو مسئولانند که فقط شعار می‌دهند" او در ادامه این مصاحبه با بیان سابقه اعتراضات کارگران "هپکو" پس از خصوصی سازی آن تلویحا حق را به کارگران داد و علت اصلی تظاهرات و ناراضی‌های شدید کارگران را در ندادن به موقع دستمزد سه ماهه اخیر و بدهی باقی مانده کارفرما به کارگران در شروع سال جاری عنوان کرده است و با گفتن "ماجرای ادامه دارد" اذعان نموده که هنوز تصمیمی در مورد وضعیت کارخانه و مطالبات کارگران اعتصابی توسط مسئولین گرفته نشده.

البته خواسته‌های کارگران فراتر از چند ماه دستمزد عقب افتاده و تحمیل گرسنگی به خانواده‌های کارگران است. آنها سالهاست مبارزه می‌کنند تا ریشه این گرسنگی دادن‌های بی رحمانه به خانواده‌هایشان را که منشاء آن خصوصی سازی و سیاستهای نئولیبرال‌های حاکم هستند بخشکانند. مبارزه می‌کنند تا به ظلم و ستمی که توسط حکومت و مالکان نوکیسه و حریص کارخانه‌ای که از طریق رانت مفت به چنگ آورده پایان دهند. کارخانه هپکو و همه کارخانه‌های دیگر جزء اموال عمومی هستند که بنیاد اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهند. دوام و پایداری و توسعه این کارخانه‌ها و ارزش اضافی که در آنها خلق می‌شود نتیجه کار کارگران آنهاست. با خصوصی شدن این کارخانه‌ها استثمار کارگران تشدید شده است. مالکان جدید قوانین کار و تامین اجتماعی را در این کارخانه با پشت گرمی دولت منسوخ کرده‌اند. کارگران شاغل در این کارخانه‌ها فاقد امنیت شغلی هستند، دستمزدهای شان به موقع داده نمی‌شود و حق تشکل از آنان سلب شده است و شکایت شان در نهادهای دولتی و قضایی ره بجایی نمی‌برند. زمانی هم که به ناچار اعتصاب می‌کنند همه نهادهای حکومتی از پلیس گرفته تا دولت و دستگاه قضایی و رهبر که خودش را "نماینده خدا" روی کره زمین می‌داند برای فرو نشاندن اعتراض شان ولو اینکه "به بر حق بودن و درست بودن آن" اذعان کنند، بسیج می‌شوند. با این همه کارگران اعتصابی را پس از هر سرکوب و محاکمه به پیگیری خواسته‌هایشان از کانالهای قانونی فرا می‌خوانند! کانال‌های که همگی حامی سرمایه‌داران و دشمن کارگران و حق و حقوق شان هستند. برآستی در چنین حکومتی چه راه دیگری به غیر از اعتراض و اعتصاب برای کارگرانی که همه رقم تحت فشار قرار دارند می‌ماند؟

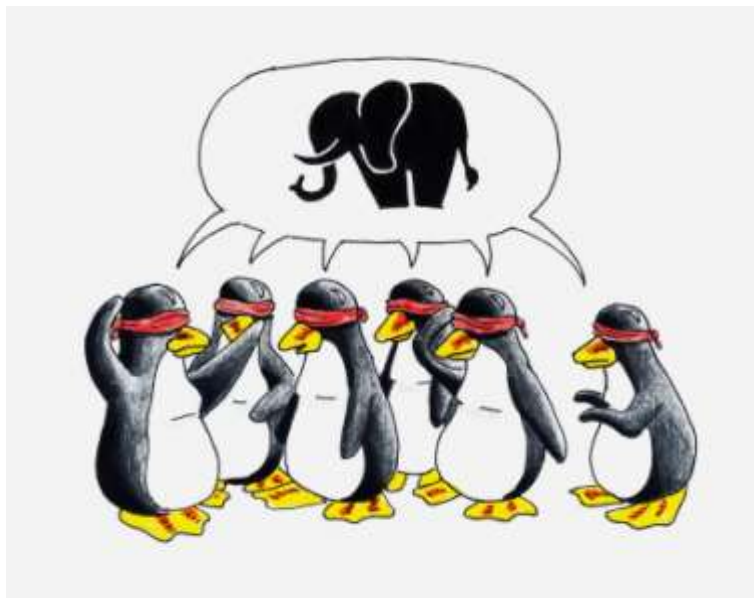
استاندار مرکزی اذعان می‌کند که کارگران بی تقصیرند و مسئولین مقصردند، رئیس قوه قضائیه هم قبلا اظهارات مشابه‌ای نموده است، اما هیچ کدام نمی‌گویند، در این صورت چرا بجای بازخواست و مجازات مسئولین تقصیرکار، کارگران بی تقصیر و بی گناه را مجروح و مضروب و به زندان می‌اندازند!

و مگر نه این است وقتی که همه راه‌ها به روی کارگران بسته می‌شود، و تحمل وضع برایشان ناممکن می‌گردد جهت گیری مبارزات هم تغییر پیدا می‌کند و مبارزه برای برکناری حکومت بر مبارزه صنفی و مطالباتی اولویت پیدا می‌کند؟ در نیمه دوم سال ۵۷ با وجود این که وضعیت معیشتی طبقه کارگر در مجموع نسبت به امروز بهتر بود این پدیده رخ داد و برآورده کردن عجزولانه مطالبات صنفی توسط رژیم برای تغییر سمت مبارزات کارگران موثر واقع نشد. اکنون نیز طبقه کارگر در موقعیت مشابه‌ای قرار دارد و حرکت سایر نیروهای اجتماعی در جهت گذر از حکومت سم‌تگیری نموده است. حکومت تلاش می‌کند با تشدید سرکوب و ایجاد رعب و وحشت و اخلاص در مناسبات نیروهای اجتماعی مختلف و فعال نمودن همه امکانات خود در این جهت مانع اجماع نیروهای اجتماعی و بوجود آمدن شرایط مشابه سال ۵۷ شود. تشدید سرکوب اعتراضات کارگری و مدنی در این راستاست که قابل فهم می‌شوند و تشدید سرکوب‌ها جای وعده‌های رسیدگی به مطالبات را می‌گیرند.



اتحادیه های کارگری و معضل اقدام استراتژیک - بخش نهم

ریچارد هایمن



اکنیویسم اعضا، دموکراسی اتحادیه ای و سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یک مفهوم "بدنام" و مسئله ساز است. پوتنام این مفهوم را با بار معنایی "دردسرساز و به لحاظ سیاسی بالقوه ارتجاعی" به کار برد و جا انداخت. نکته مرکزی پوتنام این است که اولاً افراد زمانی از سرمایه اجتماعی بهره می گیرند که در انواع شبکه های اجتماعی و سازمانهای داوطلبانه مشارکت کنند. ثانیاً اینکه زندگی اجتماعی پروپیمان به تقویت جامعه و سیاست می کند. از بعضی جهات این برداشت از سرمایه اجتماعی با مفهوم اخیرتر، اما همچنان ناروشن جامعه مدنی همپوشانی دارد. منتقدان پوتنام نشان داده اند که قرائت او از سرمایه اجتماعی از نقش قدرت، نابرابری و طبقات در شکل دادن به فرصتهای اجتماعی و اقتصادی افراد غفلت می ورزد، در مواجهه با محرومیت های اجتماعی مشوق رویکرد "قربانی را سرزنش کن!" است، و از تشخیص این واقعیت که شبکه های اجتماعی پروپیمان غالباً برای سرکوب، حذف و قربانی کردن "غیرخودها" به کار گرفته می شوند، عاجز است.

با این حال مفهوم سرمایه اجتماعی، چنان که فیلد و پورتر نشان داده اند، از سابقه طولانی تری برخوردار است و به علاوه متفکرانی چون بوردیو، معنایی کاملاً متفاوت از معنای پوتنام، را از آن در نظر داشته اند. این نکته در مورد مفهوم مرتبط با آن، یعنی جامعه مدنی، که در تاریخ اندیشه دستخوش تفسیرهای متنوع و متضادی بوده، نیز صادق است. این نکته برای اتحادیه های کارگری چه اهمیتی دارد؟ به نظر من این نکته از آن جهت مهم است که یک اتحادیه کارگری سرزندگی خود را اساساً مدیون شبکه هایی از مناسبات اجتماعی است که اعضای بالفعل و بالقوه آن در آنها حضور دارند، و همانا کیفیت این مناسبات است که چهره انسانی اتحادیه و در نهایت ظرفیت آن را برای دست زدن به عمل شکل می بخشد. ایده سرمایه اجتماعی شاخصی برای توانائی سازمان اتحادیه برای نیل به این سرزندگی است. سرمایه اجتماعی، اگر اساساً به عنوان مفهومی جمعی، و نه فردی، دریافت شود، خواهد توانست دسترسی به منابع بالقوه ای را برای لایه های بالنسبه فاقد قدرت و مورد تبعیض در مقابله شان با لایه های به لحاظ اقتصادی و سیاسی مسلط، میسر سازد. از این منظر سرمایه اجتماعی پایه ای برای مقاومت است. این معنایی نیست که پوتنام و پیروان او، همچون لاو و مونی، در نظر دارند، اما قریبتهائی با تحلیل کلاسیک ویس دارد. ویس دموکراسی درونی اتحادیه های کارگری را نیروئی برای دموکراتیزه کردن وسیعتر حیات اجتماعی می دید، که به کارگران اجازه می دهد "پس گرفتن آنچه را که منفرداً ناممکن شده است، جمعاً میسر سازند".

این بعد جمعی از سرمایه اجتماعی از جمله و به وضوح در تحقیقات دوفور و هگه، دیده می شود: "قابلیت نمایندگی تا حدودی مبتنی بر تعبیه های رسمی نهادینه در اتحادیه های کارگری است، اما به همان میزان وابسته است به کیفیت مناسبات متقابل بین نمایندگان و موکلان آنها، به کیفیت نمایندگی نمایندگان در ارتباط با نگرانیهای روزمره این کارگر و آن کارگر در مواجهه با موضوعاتی که از درون و بیرون محیط کار بر می خیزند. ارتباطات افراد در شبکه های دوستانه، از آنجا که غالباً پیش از سازمانهای رسمی وجود دارند، می توانند تخته پرشی برای اتحادیه گرائی (یا برعکس رویگردانی از اتحادیه) و منبعی برای دیالوگ مؤثر گردند. این نکته در تحقیقات 40 سال پیش باتستون، که در یک کارخانه بریتانیا انجام داد، نشان داده شده است: رهبری اتحادیه موفق می شد که با ابتکار و هماهنگی در برگزاری مباحثات - از بخش فروش تا گروه های غیررسمی کارگران که در اوقات فراغت و استراحت باهم غذا می خوردند یا ورق بازی می کردند، یا در باره مسابقات فوتبال روز گذشته بگومگو می کردند -



آمادگی برای دست زدن به عمل را در میان موکلان خود شکل دهد و به کار گیرد. فرانتاسیا تجربه مشابهی را در امریکا، در کار پیوند بین گروه‌بندی‌های غیررسمی و همبستگی اتحادیه ای گزارش کرده است.

جارلی در تحلیلی از تجربه اتحادیه‌ها در امریکا مطرح کرده است که برای ایجاد آنچه او "اتحادیه گرائی مبتنی بر سرمایه اجتماعی" می‌نامد، اتحادیه‌ها باید نقش تسهیل کننده مناسبات متقابل بین کارگران را به عنوان پایه ای برای ترمیم تعداد اعضا و نفوذشان به عهده گیرند. او اعلام می‌کند که "مدل اتحادیه گرائی سرویس دهنده"، که اعضا را به کارمندان تمام وقت اتحادیه وابسته می‌کند، عملاً شبکه ارتباطات متقابل و جمعی کارگران را تضعیف می‌کند و در نتیجه موجب خسران در سرمایه اجتماعی اتحادیه‌ها می‌شود. از بعضی جهات "مدل سازمانده" موجب احیای جمعگرائی در محیط کار می‌شود، اما این مدل تمایل دارد وابستگی به کارمندان را با وابستگی به عده ای کنشگر متعهد، که خود در معرض قربانی شدن یا فرسودگی مفرط اند، جایگزین کند. مدل بدیل او مبتنی بر یک شبکه اجتماعی رنگارنگ است، بدون مرزبندی بین بده بستان متقابل در موضوعاتی که دارای "اهمیت اتحادیه ای" اند و آنهایی که ظاهراً فاقد چنین اهمیتی اند. پیوند افراد در موضوعاتی از یک نوع می‌تواند متعاقباً به اشتراک عمل آنان در موضوعاتی از نوع دیگر گردد. تحقیقی که در سال ۲۰۰۵ در دو شاخه محلی از اتحادیه سراسری "کارگران صنایع غذایی" امریکا انجام شد، نشان می‌دهد که این مدل کارائی در جذب کارگران جوان و وارد کردن آنان به فعالیتهای نه فقط اتحادیه، بلکه همچنین در کادر وسیعتر کنشگری سیاسی، را بهبود می‌بخشد.



کارگران، معلمان فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!



تصمیم دولت در مورد مشکلات کارگران؛ حمله‌ی همه‌جانبه به زندگی کارگران مراد رضایی



فرض کنید در منطقه‌ای به صورت مکرر زلزله می‌آید. وظیفه‌ی عقلانی حکومت در چنین شرایطی چیست؟ احتمالاً هر انسان عاقلی بگوید مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و آمادگی زیرساخت‌های شهری برای شرایط بحرانی. حال اگر حکومت در مقابل چنین شرایطی نه تنها از زیر انجام وظایفش شانه خالی کند، بلکه ساختمان‌های شهر را ضعیف و زیرساخت‌های شهری را آگاهانه نابود کند، عَقلاً خواهند گفت یا حاکمان دیوانه هستند و یا قصد دارند به جای حل مشکل شهروندان با زمین‌لرزه‌های مکرر، شهروندان در مخاطره را به کشتن بدهند تا دیگر اساساً مشکلی برای حل کردن باقی نماند!

این تمثیل دقیقاً بر واکنش دولت به اعتراضات کارگری گسترده‌ی سال‌های گذشته منطبق است. بزرگترین اعتراض کارگری سال‌های اخیر، یعنی اعتصابات کارگران هفت‌تپه که در روزهای اخیر شاهد مجموعاً بیش از صد سال زندان برای معترضان بودیم، اساساً به این دلیل آغاز شد که روند رانتی و فاسد خصوصی‌سازی در این مجموعه، شرکت را به مرز ورشکستگی رسانده بود. تا جایی که شرکت توان پرداخت دستمزد کارگران را نداشت. اعتصابات روزهای اخیر هپکو که با سرکوب وحشیانه مواجه شد نیز دقیقاً چنین منشأی داشت. کارخانجات صنعتی هپکو، که از صنایع بسیار با اهمیت آراک است، با خصوصی‌سازی رانتی روندی را طی کرده است که امروز کارفرما تصمیم دارد زمین و تجهیزات کارخانه را بفروشد و کارگران حداقل چهار ماه معوقات مزدی دارند!

نکته‌ی دیگر در مورد این اعتراضات کارگری، نبود امنیت شغلی است. کارگر، خاصه اگر سابقه‌ی کار و در نتیجه سن بالایی داشته باشد، در صورت اخراج قطعاً نخواهد توانست شغل مناسبی برای رفع نیازهای معیشتی خود دست و پا کند. تنها راه ایجاد این امنیت معیشتی نیز ایجاد سیستم بیمه‌ی بیکاری قدرتمندی است که کارگر در هر صورت بداند دچار بحران معیشت نخواهد شد و کارفرما همیشه دست بالا را برای تهدید به اخراج و فشار مضاعف بر کارگران را نخواهد داشت.

در چنین وضعیتی، هفته‌ی گذشته از اردوی سرمایه در ایران دو خبر منتشر شد. خبر اول واگذاری باقی‌مانده‌ی سهام دو شرکت ایران خودرو و سایپا به بخش خصوصی و خصوصی‌سازی کامل این دو شرکت بود! وزیر صنعت گفته است در طول سال 98 و 99 این دو مجموعه تماماً به بخش خصوصی واگذار خواهند شد. دلیل این تصمیم هم «مبارزه با فساد» عنوان شده است. وزیر صنعت گفته است فساد گسترده در این دو شرکت به دلیل ضعف بودن سیستم‌های بازرسی دولتی است و با خصوصی‌سازی مساله‌ی فساد رفع می‌شود و بهره‌وری افزایش می‌یابد. یعنی دولتی که توان نظارت بر مدیران گماشته‌ی خود برای مقابله با فساد را ندارد، با خصوصی‌سازی که احتمالاً به معنای زدن این دو کارخانه به نام پسر خاله و پسر عمه و پسر دایی وزیر است، یکهو «میتی‌کومان» خواهد شد و جلوی فساد را خواهد گرفت. این در حالی است که فساد سرسام‌آور در شرکت‌ها و صنایع خصوصی شده هر روز به شکلی خود را نشان می‌دهد. از شلاق خوردن کارگران آق‌دره، تا زندانی شدن اسماعیل بخشی. از تبدیل کارخانجات صنعتی به تولیدی «بیت‌کوین» تا فروش ماشین‌سازی تبریز به یک دهم قیمت!

در واقع ظاهراً تدبیر دولت برای جلوگیری از عوارض و عواقب خصوصی‌سازی، خصوصی‌سازی بیشتر است. تا جایی که بحران سفره‌های کارگران را با تمام قوا احاطه کند.

اما در مورد بیمه‌ی بیکاری. بیمه‌ی بیکاری در ایران هیچ شباهتی به مدل‌های غربی این بیمه ندارد. مدل‌های غربی البته از آنجایی که اتحادیه‌ها و احزاب کارگری در کنار احزاب سرمایه داری در آنها وجود دارند و فعال هستند با طی بروکراسی، خود را



موظف به تامین شغل برای شهروندان می‌دانند، از هنگامی که کسی برای کار کردن اعلام آمادگی کند، شروع به پرداخت مبلغی به عنوان بیمه‌ی بیکاری می‌کنند تا شغل مناسب فرد و توانایی‌هایش پیدا شود.

اما در ایران وضعیت اساساً به این شکل نیست. اگر کسی مدتی کار کرده باشد و به صورت رسمی از کار اخراج شود به شکل جدول زیر می‌تواند از بیمه‌ی بیکاری استفاده کند. میزان مقرری روزانه بیمه شده بیکار معادل ۵۵ درصد متوسط مزد یا حقوق یا کارمزد روزانه بیمه شده است. مجموع دریافتی مقرری بگير نباید از حداقل دستمزد کمتر و از ۸۰ درصد متوسط مزد یا حقوق وی بیشتر باشد.

مدت سابقه پرداخت بیمه	مدت زمان دریافتی مقرری برای مجردین	مدت زمان دریافتی مقرری برای متاهلین یا متکفلین
از شش ماه لغایت ۲۴ ماه	شش ماه	۱۲ ماه
از ۲۵ ماه لغایت ۱۲۰ ماه	۱۲ ماه	۱۸ ماه
از ۱۲۱ ماه لغایت ۱۸۰ ماه	۱۸ ماه	۲۶ ماه
از ۱۸۱ ماه لغایت ۲۴۰ ماه	۲۶ ماه	۳۶ ماه
از ۱۴۱ ماه به بالا	۳۶ ماه	۵۰ ماه

در اثنای دریافت این حق بیمه هم، کارگر باید اولاً در دوره‌های اجباری فنی و حرفه‌ای شرکت کند، دوماً هر ماه در سازمان تامین اجتماعی تعهد بدهد که در جایی کار نمی‌کند (حتی اگر این کار دستفروشی یا مسافرکشی باشد) و سوماً بازرسان بیمه‌ی بیکاری گاه و بیگاه به پرس و جو در مورد وضعیت اشتغال یا عدم اشتغال او در منطقه‌ی محل سکونتش می‌پردازند.

اما مدیر عامل جدید سازمان تامین اجتماعی این تفتیش‌ها را نا کافی می‌داند. او هفته‌ی گذشته گفته است «برقراری توازن بین منابع و مصارف این صندوق از مسائل بسیار مهم است که این موضوع برای سال‌های متمادی مورد توجه قرار نگرفته و کسری این صندوق از طریق سایر منابع سازمان تامین اجتماعی تامین شده است.» و این یعنی سازمان تامین اجتماعی که ماهیانه حق بیمه دریافت می‌کند، برای پرداخت حق بیمه‌ی بیکاری پول ندارد. این همان مدیر تامین اجتماعی است که هفته‌ی گذشته برای لاپوشانی اختلاس‌ها در این سازمان گفته بود، تامین اجتماعی مشکل بودجه ندارد و از حق بیمه‌ی ماهیانه و همچنین درآمدهای شستا، تمام منابع آن تامین می‌شود.

مصطفی سالاری اضافه کرده است «دوره طولانی پرداخت بیمه بیکاری و شرایط آسان برقراری آن باعث تشویق برای استفاده نابجا از این مزایا است که در این زمینه نیازمند اصلاح برخی مقررات هستیم.» دوره‌ی طولانی پرداخت و شرایط آسان! دوره‌ی پرداخت بیمه‌ی بیکاری که در جدول فوق روشن است. شرایط پرداخت آن نیز که پس از طی مراحل پلیسی آن، مانند خیریه‌های آفریقای مرکزی است. حال پرسش اینجاست که آقای مدیرعامل دوره‌ی کوتاه‌تر و شرایط سخت‌تر از این را چگونه یافته است؟



مثلاً اگر قرار است بازرسان را بیشتر کنند، چرا این بازرسان را در اداره‌ی کار و برای تامین بهداشت محیط کار بیشتر نمی‌کنند تا ما سالانه شاهد چند هزار قربانی حوادث کار نباشیم؟ بالا بودن حوادث ناشی از کار در ایران و تعداد قربانیان آن سبب شده است که سال ۱۳۹۶ پرونده‌ای در این زمینه برای جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی کار گشوده شود. و این پرونده هنوز مفتوح است!

تصمیماتی که زندگی کارگران را به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد، اعم از، خصوصی‌سازی یا دستکاری بیمه‌ی بیکاری، چه منظر منطقی و چه از دیدگاه حقوقی باید با حضور موثر نمایندگان تشکلهای مستقل کارگری اتخاذ شود. تشکلهایی که حتی تشکیل آنها از نظر جمهوری اسلامی جرم است و در نتیجه حل مساله را در یک چرخه‌ی باطل می‌اندازد: دشمنان کارگران، مسئول تصمیم‌گیری در مورد کارگران هستند.

به تمثيل زلزله برمی‌گردم. اگر ساکنان این منطقه‌ی زلزله‌خیز علیه تصمیمات حاکمان مقاومت نکنند، دیر یا زود سقف خانه‌یشان فرو خواهد ریخت...



مبارزه مشترک برای آزادی فعالین کارگری، مدنی و سیاسی را سازمان دهیم!



صلح حقی انسانی و همگانی است علی صمد



۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) سال ۱۹۸۱ را مجمع عمومی سازمان ملل، "روز جهانی صلح" نامیده است. انگیزه مجمع عمومی سازمان ملل از نامگذاری این روز به عنوان "روز جهانی صلح" ترویج صلح در میان ملیتهای مختلف در سطح جهان می باشد. در اعلامیه مجمع عمومی آمده است: "این روز باید رسماً به این عنوان نامیده و جشن گرفته شود. از این روز باید برای مراقبت از ایده صلح و تقویت آن چه در درون کشورها و اقوام مختلف و چه در میان آنها بهره گرفت." هر سال و به طور سنتی سومین سه‌شنبه ماه سپتامبر، مجمع عمومی سازمان ملل برگزار می‌شود. در زمان برگزاری مجمع عمومی در ۲۱ سپتامبر سال ۱۹۸۱، تصمیم گرفته شد که این روز یعنی سومین سه‌شنبه ماه سپتامبر به عنوان روز جهانی صلح انتخاب شود. همچنین قرار شد تا در این روز وضعیت صلح در خود کشورها و نیز بین کشورها و بین مردم نواحی مختلف جهان بررسی شود. پس از راه‌اندازی کمپین "یک روز برای صلح" توسط جرمی گیلی، بازیگر و فیلمساز انگلیسی، مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۱ قطعنامه ۵۵۲۸۲ را تصویب کرد که بر اساس آن از سال ۲۰۰۲ هر سال روز ۲۱ سپتامبر به عنوان روز جهانی صلح تعیین شد. امسال همانند سال‌های گذشته به احترام این روز می‌بایست در مناطق جنگی، آتش بس بیست و چهار ساعته برقرار شود و صلح دوستان و صلح طلبان در سراسر جهان برنامه‌های گوناگونی از موزیک، تئاتر، کنسرت، نصب پوسترها، نمایشگاه‌ها، جلسات و کنفرانس‌ها، تظاهرات و آکسیون‌های متنوعی را برای بزرگداشت این روز مهم به اجرا می‌گذارند.

صلح یک آرمان عموم بشری است!

صلح یک آرمان جهانی و نیاز بزرگ انسان قرن بیست و یکم است. زندگی در صلح زیر سایه سنگین جنگ‌های خانمانسوز در بخشهایی از جهان هر روز سخت و سخت‌تر می‌شود. روز جهانی صلح در حالی از راه می‌رسد که جهان بیش از هر زمان دیگری دستخوش جنگ‌ها و ناامنی‌های گسترده است. در سالهای اخیر دامنه جنگ و ناامنی به تعدادی از کشورهایی که در گذشته در صلح به سر می‌بردند نیز کشیده شده است. ما امروز در دورانی، از صلح جهانی صحبت می‌کنیم که خشونت و جنگ، ترور و تروریسم، تنش‌ها در منطقه خاور میانه، سلطه اقتصادی و مالی برخی قدرت‌های بزرگ، قحطی، فقر، بیماری و بدبختی، بی‌خانمانی، مهاجرت‌های اجباری همراه با آوارگی، نزاع بر سر آب، استبداد و دیکتاتوری بسیاری از دولت‌ها و حکومتها، نقض همه جانبه و مستمر حقوق بشر در بسیاری از مناطق جهان، تحریم‌های بین‌المللی علیه برخی از کشورها، موجب تضعیف روزافزون صلح، امنیت، آزادی و عدالت در سطح جهانی شده‌اند. به هشدارها، اخبارها و توجهات سازمان‌های جهانی، حقوق بشری و کارشناسان و حقوقدانان بین‌المللی در این باره توجه چندانی صورت نمی‌گیرد. و این، یک زنگ خطری است که کره زمین و مردمان آن با آن مواجه‌اند. ضرورت برون‌رفت از بحران‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و حقوقی داخلی و بین‌المللی کشورها و تلاش موثر، روزافزون و فراگیر برای حرکت در جهت وضعیت مطلوب، عادلانه و صلح‌پایدار جهانی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که می‌بایست تلاش همه جانبه و فراگیری را در سطح کشوری، منطقه‌ای و جهانی برای زمینی کردنش تدارک و سازماندهی کرد.



صلح دقیقاً رد جنگ است. ۲۱ سپتامبر روز جهانی صلح می تواند گام کوچکی در جهت ارتقای آگاهی جهانی از مصائب غیر انسانی و خشونت بار ناشی از جنگ ها باشد. امروز شبیح جنگ بر بخش های از جهان و بویژه در منطقه خاور میانه و آفریقا در گردش است و می بایست برای پایان دادن به آنها تلاش های مشترک را دو چندان کرد و به دنبال تحقق صلح در همه مناطق جهان با همکاری سازمان ها و احزاب دمکرات، چپ، مترقی، صلح دوست و نهادهای دمکراتیک، مدنی و حقوق بشری بود. تحقق صلح منوط به تعریف ارزشهای مشترک از طریق گفتگو، مذاکره، رواداری، تفاهم و احترام به حقوق انسانی میسر می شود. بنیان تحقق صلح در زندگی روزمره تمام جوامع و کشورهاست. فراموش نکنیم که مقابله با جنگ و حفظ صلح با تامین امنیت، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و عدالت در هر کشور پیوند تنگاتنگ دارد و حق هر انسان است که در صلح پایدار زندگی کند

دولت ها برای اجتناب از جنگ، از حل خشونت آمیز مناقشات فی مابین بپرهیزند و اختلافات شان را از طریق صلح آمیز حل و فصل کنند. با وجود جنگ نمی توان در هیچ کجا عدالت و آزادی برقرار کرد. انسان های طرفدار صلح و آزادی و عدالت لازم است به هر وسیله که در اختیار دارند برای پایان دادن به جنگها که هیچ سودی جز ویرانی و خونریزی برای مردم ندارند و برای برقراری صلح و دوستی میان مردمان جهان تلاش کنند. مخالفت با صاحبان کارخانه های تولیدکننده سلاح، و فروش تسلیحات نظامی به کشورهای دیکتاتوری و حمایت از خلع سلاح هسته ای در این میان برای جلوگیری از جنگ ها و کشتار دسته جمعی در زمانه ما جز مهمی از مبارزه علیه جنگ و حفظ صلح است. چالش هایی همانند تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست و تهدیدات ناشی از آن هر کدام می توانند به عاملی و برای ایجاد جنگ و نابودی صلح در مناطق مختلف گردند. راه های مقابله با آنها باید در دستور کار سازمان های جهانی، منطقه ای و ملی قرار گیرند. دسترسی به جهانی صلح آمیز همراه با عدالت، در پرتو مبارزه صلح دوستان دست یافتنی است. نباید اجازه داد جنگی آغاز شود که در نهایت برای هیچ کس پیروزی و موفقیت نمی آورد.

نیاز به صلح در جهان یک خواست جهانی است!

مفهوم صلح در احترام به کرامت انسانی معنی پیدا می کند. صلح، ضامن تحقق آینده بهتر برای مردم جهان است و روز جهانی صلح، روزی است که ما دوباره تعهد خود را به این هدف ارزشمند و جهانی تصریح می کنیم.



ده ها میلیون نفر در جهان از جنگ و ستیزه جویی و پیامدهای آن در رنجاند. این بدین مفهوم نیست که مبارزه ما برای صلح بی معناست و صلح دست نیافتنی است. همزیستی مشترک در صلح حقیقتاً امکان پذیر است و ما در جهان کنونی بیش از هر زمانی دیگر به ترویج فرهنگ صلح نیازمندیم. رویای زندگی در جهانی عاری از جنگ و همراه با صلح، رویای بزرگ است. اما داشتن تنها یک روز بدون جنگ و خونریزی و خشونت چندان رویای دست نیافتنی نیست. صلح، عدالت، امنیت و کرامت انسانی مفاهیمی ارزشمند و دیرپای جامعه بشری محسوب می شوند که از دغدغه های جدی انسان در طول تاریخ بشری بوده اند و از این جهت، ساختن جهانی توأم با عدالت، صلح، آزادی، دوستی و همزیستی مسالمت آمیز، همواره آرمانی بزرگ برای انسانها به شمار می آمده است.

چه راهکاری برای حفظ صلح جهانی

اگر بخواهیم در عرصه جهانی، صلح، آزادی و امنیت به صورت بنیادین تضمین گردد، باید دستگاه های بین المللی ضمن ایجاد ساز و کارهای قانونی برای پایبندی همگان به قواعد و مقررات بین المللی و حفظ کرامت انسانی و حقوق بشری، تلاش کنند. در نظام اداره روابط بین الملل و ساز و کارهای تامین صلح و امنیت، تحولاتی اساسی بر بنیان حق و عدالت و بدور از تبعیض ایجاد



شوند. نقش سازمان ملل در این عرصه دارای اهمیت است. این نهاد بین المللی که رسالت بسیار پر اهمیتی در راستای حفظ صلح جهانی بر عهده دارد، لازم است زمینه برقراری صلح عادلانه و همزیستی مسالمت آمیز را در سراسر جهان فراهم کند.

در شرایطی که خطر جنگ اکنون ایران و منطقه را بیش از گذشته تهدید می کند مبارزه علیه جنگ و حفظ صلح برای ما و سایر کشورهایی که با این خطر روبرو هستند در روز صلح و استفاده از آن برای حفظ صلح اهمیت اساسی پیدا می کند. جنگ همیشه و در همه جا بیشترین لطمات را بر مردم عادی و کارگران وارد می سازد و اساسا کارگران و مردم زحمتکش نه نقش و نفعی در برپایی جنگها دارند و نه از هیچ جنگی حمایت می کنند. این دولت های مرتجع و قدرتهای زورگو و صاحبان کنسرن های عظیم اسلحه سازی هستند که برای فروش اسلحه و سود و منافع نا مشروع شان جنگها را بر مردم تحمیل می کنند. کارگران ایران مخالف جنگ و تحریم و استبداد و سیاستها و تحریکات جنگ طلبانه ای هستند که در یک سر آن حکومت مستبد و مرتجع فقها و در سر دیگر آن ترامپ و متحدین منطقه ای اش قرار دارند. و به هر شکل که بتوانند با آن و جنگ طلبان مبارزه می کنند.

۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) روز صلح بر همه زنان، مردان و کودکان جهان فرخنده باد! بر همه آنانی که به انسان ها فراتر از عقیده، نژاد، مذهب، رنگ پوست، ملیت و ... نگاه می کنند و به همه کسانی که به انسان و کرامت انسانی ارزش و احترام می گذارند؛ و جنگ و خشونت را امری غیر انسانی برای بشریت می دانند و برای صلح پروری در جهان مبارزه هدفمندی را در عرصه ملی و جهانی پیش می برند؛ روز جهانی صلح بر همه آنان خجسته باد!



مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را تشدید کنیم!



همه با هم علیه سرکوب فعالین کارگری و حقوق سنایکایی کارگران مبارزه کنیم!



گزارش ویژه: "ما را به حساب آورید(1)" - بخش سوم فهم نقشه راه - تقویت دموکراسی در ساختار درونی اتحادیه تامارا گاسی ترجمه گودرز



تا جایی که ما می دانیم اتحادیه ها به عنوان ستون اصلی یک جامعه دموکراتیک عمل می نمایند. اما این هم درست است که دموکراسی حقیقی درون اتحادیه برای موفقیت، قوام و بقای اتحادیه یک ضرورت اساسی و غیرقابل اغماض است. بر طبق آخرین آمارها ی موجود زنان ممکن است تا 50% کل کارگران جهان را تشکیل دهند و تعدادشان بر اساس آمار برابری جنسیتی ITUC در سال 2017 در میان اعضای اتحادیه ها در جهان تا 42% برآورد می شود، اما همچنان نمایندگی شان در مناصب تصمیم گیری و رهبری در تشکل های کارگری بسیار کم و حدوداً 28% نسبت به مردان است. دلایل بسیاری در این مورد می توان برشمرد: تبعیض و مزاحمت، توازن سه جانبه کار، خانواده، و فعالیت اتحادیه ای؛ عدم وجود امکان آموزش و مربی، و عدم سرمایه گذاری برای توانمندسازی زنان برای شرکت در انتخابات نمایندگان در هیئت های مدیره اتحادیه ها و سندیکا ها و فدراسیون های کارگری و در هیئت های مذاکره کننده قراردادهای کار با کارفرما از آن جمله اند.

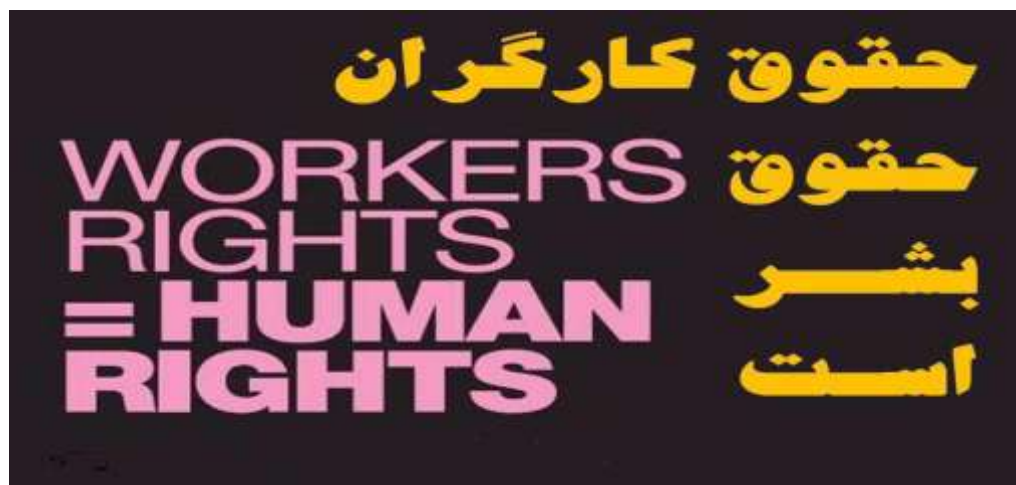
اندک اندک، شاهد تغییرات اگرچه جزئی، هستیم. با کمپین های متعدد خود کنفدراسیون جهانی کارگران ITUC پیشتر از افزایش نقش زنان هم در عضویت و هم در مسئولیت های اداری اتحادیه های وابسته بوده است. بسیج "تصمیمات برای زندگی" نسل نوینی از زنان را در 14 کشور توانمند ساخته است، از سوی دیگر جنبش حقوق زنان کار LRW موفق شده زنان در مشاغل مهاجرتی، پروکاریایی (نامطمئن) و موقت فصلی را سازماندهی نماید و آنها را برای شرکت در مذاکرات جمعی با کارفرمایان و جنبش گفتمان اجتماعی ترغیب نماید. کمپین 12X12، که در همیاری با اتحادیه بین المللی کارکنان مواد غذایی، کشاورزی، هتل، رستوران، توزیع و خدمات غذا و مشروبات و سازمان کارگران متحد (IUF) و فدراسیون بین المللی کارگران خانگی IDWF بوجود آمده است، تغییرات و بهبود قوانین کار در پنجاه کشور جهان را پیش می برد که تاکنون در 25 کشور مورد تأیید پارلمان های محلی قرار گرفته و در اجلاس 189 سازمان جهانی کار ILO نیز تصویب شده است. در نهایت همین کمپین "ما را بحساب آورید!" است که در سال 2014 هدف 30% سهمیه زنان در منصب تصمیم گیری در حداقل 80% اتحادیه های عضو ITUC را انتخاب کرد که همچنین افزایش 5% عضویت زنان نسبت به کل اعضا در تمام اتحادیه های کشوری عضو را هم در برمی گرفت.

بیش از 100 اتحادیه وابسته برای این کمپین ثبت نام کردند و بیست تشکل دیگر هم عملاً به آن پیوستند. پنج برنامه منطقه ای طراحی شد و شصت اتحادیه هم پروژه های مستقل خود را بنیاد گذاشتند. گرچه این مجموعه بسیار بزرگی را تشکیل می داد و چشم انداز خیره کننده ای داشت، با وجود قدم های بیشتری که باید در این راه گذاشته شود، ولی هدف مشارکت بیشتر زنان در تصمیم گیری ها و در رهبری جنبش کارگری نتایج قابل توجهی داشته است و در امکان استفاده از تئوری ها و استراتژی های متنوع گام های مثبتی برداشته شده است. بطور مثال شورای اتحادیه های کارگری استرالیا (ACTU) با الزام رسیدن به نسبت 50% زنان در مسئولیت اتحادیه سراسری به رقم 35 پست رهبری برای زنان از مجموعه کل 65 نفری دست یافته است که شامل دبیرکل سلی مک مانوس و پرزیدنت میشل اونیل در ACTU هم می شود.



در این راه بیانیه ها و توصیه های متعدد و سهمیه بندی های فراوانی مورد آزمایش قرار گرفته و حاصل آنها بررسی و تصمیمات مورد تجدید نظر قرار گرفته است. جهت ایجاد شبکه های ارتباطی و برای سرمایه گاری در تربیت و آموزش تکنیک ها و استراتژی برای مدیریت زنان، نزدیک شدن و اعمال نفوذ بر وسایل ارتباط جمعی و فعالیت در رسانه های اجتماعی جمع آوری اعانه و کمک های مالی از ضرورت هاست تا موانع بر سر راه زنان برای رسیدن به قدرت در اتحادیه های عموماً مردسالار کنار زده شود و برابری جنسیتی به اهداف خود دست یابد. راه طولانی هنوز باقی مانده است اما نتایج چشم گیری هم بدست آمده است که نشان می دهد اتحادیه ها برای دموکراسی ساختاری در تشکیلات گام های مثبتی برداشته اند.

(1)- گزارش کمیته زنان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی ITUC-
https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women_in_leadership_en_final.pdf



همه با هم برای آزادی فعالین و حامیان کارگری از زندان مبارزه کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



ادامه اعتصاب و تظاهرات خیابانی و یورش و بازداشت ۲۸ تن از کارگران هپکو که از هفته پیش شروع شد، اعتصاب در آلومینیوم سازی اراک و در معدن زغال سنگ "آق دربند" در شهر سرخس و لغو فروش بانک رفاه، مهمترین رویدادهای کارگری این هفته بودند.

ادامه اعتصاب و تظاهرات خیابانی کارگران مبارز و حق طلب هپکو در شهر اراک در ۲۵ شهریور با یورش وحشیانه نیروهای امنیتی به صفوف کارگران و بازداشت و مضروب کردن ده ها تن از کارگران بازتاب گسترده‌ای در کشور داشت و با واکنشهای اعتراضی مختلفی روبرو شد. حتی علی آقازاده استاندار استان مرکز نیز نتوانست نگرانی خود را از این اعتصاب و پیامدهای سرکوب کارگران و بی توجهی و بی عملی مقامات دولتی ذریبط با آن را پنهان کند. او البته با درز گرفتن مخالفت کارگران با خصوصی سازی که از نظر کارگران منشاء اصلی مشکلات کارگران است، بر حق بجانب بودن کارگران و اعتراضات شان اذعان نمود و مسئولین مختلف را در این قضایا مقصردانست. "ایلنا" از قول "آقازاده نوشت: "موضوع هپکو دیگر از حرف و شعار گذشته و باید بپذیریم که رفع تمامی مشکلات هپکو تنها بر عهده استان نیست،... مطالبه اصلی کارگران حقوق آنان است و تا این لحظه آنان حقوق تیر و مرداد خود را هنوز دریافت نکرده‌اند و با پایان شهریور ماه تعداد معوقات آنها به سه ماه افزایش می‌یابد. البته علاوه بر این سه ماه، معوقه جزئی نیز از ابتدای امسال طلب دارند که با توجه به بازگشایی مدارس و افزایش هزینه‌های خانواده، این مطالبه آنان کاملا به حق است". به رغم این سخنان دل‌فریب اما استاندار نگفت چرا با وجود "برحق" بودن مطالبه کارگران به آنها یورش بردند و شمار زیادی از آنان را مضروب و بازداشت کردند! یورش به کارگران در حالی صورت گرفت که تنها حدود دو هفته پیش تر از آن ابراهیم رئیسی قاضی القضاة جدید حکومت اعتراضات و خواسته‌های کارگران را درست دانسته بود و به قاضیان دستگاه قضایی دستور داده بود که از سختگیری نسبت به کارگران معترض پرهیز و در احکام زندان آنها تجدید نظر کند (نقل به معنی). چند روز بعد از این فرمان رئیسی، اما سخنگوی قوه قضائیه که خود این حکم را رسانه‌ای کرده بود و قبل از آنکه کوچکترین اقدامی برای اجرای دستور رئیسی انجام شود، آنرا پس گرفت. در این میان تلاشهای پنهانی هم برای گرفتن توبه نامه از برخی رهبران کارگری و مدنی زندانی توسط عوامل دستگاه سرکوب و حمایت از گفته‌های کاذب قاضی القضاة جنایتکار رژیم به منظور بزک کردن چهره منفور او با تهدید و شکنجه و دادن وعده آزادی به آنها صورت گرفت که ناکام ماند!

با این همه اعتصابات و اعتراضات کارگری و همبستگی وسیع با کارگران و فعالین مدنی بدون اعتنا به این فریبکاریهای سرکردگان دستگاه سرکوب در این هفته تداوم یافت و در اثر یورش به کارگران هپکو بیشتر از پیش شد.

به عبارتی جامعه می داند که نباید پز عدالتخواهی و فساد ستیزی رئیسی را بخورد و حکومت هم فهمید اوضاع خرابتر از آن است که با وعده‌های کاذب بتواند مبارزات فزاینده کارگران و گروه‌های اجتماعی مختلف را از راه بدر کند.

ادامه اعتصاب هپکو حتی پس از یورش وحشیانه و بازداشت و مجروح نمودن ده ها تن از کارگران به وضوح حکایت از عزم کارگران برای ادامه مبارزه در هر حال و شرایط تا رسیدن به مطالبات شان و جواب نگرفتن سیاست سرکوب دارد.

اینک اعتصابات کارگری بواسطه ماهیت عدالت طلبانه و آزادیخواهانه شان وارد مرحله‌ای شده اند که می توانند روی حمایت گروه های اجتماعی عدالت خواه و شهروندان آزاده شهرهای مختلف بیشتر حساب کنند. اعتصابات پراکنده کارگری هرچه هم گسترده باشند تا وقتی که به هم نپیوندند و سازمان واحدی نداشته باشند کمتر امکان کامیابی دارند. سرکوب شدید رهبران تشکلهای سندیکایی هم ناشی از این واقعیت است. اگر امکان ایجاد سندیکا و اتحادیه آزاد را از کارگر گرفته‌اند، اما امکان ارتباط



گیری کارگران با یکدیگر و با سایر گروه های اجتماعی را نمی توانند از آنان بگیرند. قدم اول در هر شهر تشکیل کمیته ها و شبکه های همبستگی و همیاری توسط نمایندگان مورد وثوق کارگران در واحدهای تولیدی هر شهر برای سازماندهی اعتصابات و ارتباط گیری با افراد و جریانات مبارز مورد وثوق مردم می تواند باشد. مخالفت با سیاست خصوصی سازی در میان کارگران واحدهای خصوصی سازی شده بسیار شدید است و وضعیت این واحدها و کارگران و مطالبات شان کم و بیش مشابه است. اعتصابات های بسیاری تا کنون در شهرهای مختلف علیه سیاست خصوصی سازی انجام گرفته است. با وجود چالشهایی که این اعتصابات بر سر راه این سیاست مخرب ایجاد نموده اند ولی به دلیل پراکنده بودن شان نتوانسته اند روند شتابان خصوصی سازیها را متوقف کند. با تاکیدات پیاپی روحانی بر ادامه خصوصی سازی و حمایت رئیس قوه قضائیه، مجلس و خامنه ای بزودی تعداد واحدهای خصوصی شده فزونی خواهد یافت و مشکلات کارگران آنها بیشتر خواهد شد. نمایندگان کارگران واحدهای خصوصی شده در شهرهای مختلف لازم است ابتدا در شهر و منطقه خودشان کمیته های مشترک مبارزه با خصوصی سازیها را بوجود آورند و سپس از میان خود یک کمیته کشوری تشکیل دهند تا بتوانند با سازماندهی اعتصابات فراگیر با آن مقابله موثر کنند. زمینه و امکانات انجام این کار وجود دارد. مبارزه با خصوصی سازی در واقع راهکاری برای احیای حقوق سندیکایی کارگران نیز هست و بدون متوقف کردن آن به دشواری می شود حقوق سندیکایی را تامین کرد.

در همین هفته اعتصابات و اعتراضات کارگری دیگری نیز در شهرهای مختلف برگزار شد. در همان روز که تجمع کارگران هپکو مورد یورش قرار گرفت تجمع اعتراضی دیگری توسط کارگران آلومینیوم اراک و یکی دیگر در معدن زغال سنگ "آق دربند" در شهر سرخس فارغ از همه تهدیدات و سرکوبها در حال انجام بود. با این دو اعتصاب نیز به دلیل جدا افتادنشان از هم بجز اینک کارگران را به فکر راه های مبارزاتی موثرتر بیندازند، تا کنون نتایج ملموسی برای کارگران نداشته اند.

دولت علی الحساب از فروش بانک رفاه دست کشید!

این هفته سرانجام در اثر اعتراضات دولت ظاهرا تصمیم به واگذار کردن این بانک را که خیلی از اعوان و انصار حکومت برای تصاحب آن دندان تیز کرده بودند، کنار گذاشت و آنطور که گزارش شده است این بانک تا پایان برنامه ششم در تملک سازمان تامین اجتماعی باقی خواهد ماند.

با این حال نظر به این که در عمل دولتمردان کمتر به این گونه تصمیمات و مصوبات پایبند مانده اند، نمی توان اطمینان یافت که دولت به این مصوبه که گفته می شود به تصویب هیئت دولت رسیده است پایبندی نشان دهد. بخصوص اینکه روحانی خودش طرفدار پروپا قرص خصوصی کردن همه اموال عمومی، از آموزش و بهداشت گرفته تا تامین اجتماعی و بیمه و سپردن آنها به سرمایه داران است و در این راه علاوه بر سبقت گرفتن از تمام دولتهای پیش درآمدهای ناشی از خصوصی سازیها را یا صرف ماشین سرکوب نموده و یا به جیب آفازاده ها و ایل و تبارشان ریخته شده اند.

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

**همه با هم علیه سرکوب فعالین کارگری و حقوق سندیکایی
کارگران مبارزه کنیم!**